

دکتر دنیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۸ مقدمه‌ای بر فیلیپیان

دن دارکو و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان. این جلسه هشتم، معرفی فیلیپیان است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس در مورد رساله‌های زندان خوش آمدید.

در ابتدای این سخنرانی، به مقدمه کلی نگاهی انداختیم و به رساله کولسیان پرداختیم. اکنون می‌خواهیم به رساله فیلیپیان پردازیم و با شروع رساله فیلیپیان، آشنایی با زمینه و بستر نگارش آن برای ما مهم خواهد بود. بنابراین، بیایید به برخی از مطالب اولیه که می‌خواهیم از نظر جغرافیایی به آنها پردازیم، برگردیم.

اگر خیلی خوب به خاطر دارید یا حتی شاید آهنگی در این مورد می‌دانید، به مقدونیه بیایید و به ما کمک کنید. وقتی پولس آن رؤیا یا خواب را دید، به این بخش از جهان که مقدونیه نام دارد نقل مکان کرد. این منطقه به منطقه‌ای بسیار مهم در جهان تبدیل خواهد شد.

مقدونیه یک منطقه است و نه یک شهر. دو شهر کلیدی در مقدونیه که می‌دانیم در کتاب مقدس ما برجسته هستند، یکی فیلیپی است، شهری که نامه به فیلیپیان به آن نوشته شده است، و دیگری تسالونیک یا تسالونیک است، بسته به تلفظ شما یا بسته به اشاره شما به تسالونیک یا تسالونیک امروزی. همانطور که می‌توانید روی نقشه ببینید، این دو شهر بسیار مهم هستند.

اکنون، ما از ترکیه امروزی به اروپا نقل مکان کرده‌ایم و نامه پولس به فیلیپیان در اینجا نوشته خواهد شد. اما ما درباره این شهر که فیلیپی نام دارد چه می‌دانیم و درباره فرهنگ آن زمان چه می‌دانیم؟ درباره دین و مردم این منطقه چه می‌دانیم؟ بیایید نگاهی به چند نکته درباره این شهر بیندازیم. این شهر جالب بود زیرا نام خود را از فیلیپ مقدونی، پدر اسکندر کبیر، گرفته است.

اگر از تاریخ دبیرستان خود به یاد داشته باشید، مرد جوانی بود که شاگرد ارسطو بود و بعدها قیام کرد و بیشتر جهان شناخته شده را در یک زمان فتح کرد. او تا شمال آفریقا پیش خواهد رفت. او شهری را تأسیس خواهد کرد که به نام خودش نامگذاری خواهد شد.

او به عنوان یکی از جنگجویان بزرگ زمان خود شناخته خواهد شد. یونانیان به زبان امروزی به غالب‌ترین ملت یا گروه مردمی خود، به یک ابرقدرت آن زمان، تبدیل خواهند شد. پس از آن، شاهد آشکار شدن اتفاقات زیادی خواهیم بود، اما به این فکر ادامه دهید و بگذارید خاطره‌ای برایتان زنده کنم.

پدر اسکندر، فیلیپ مقدونی است و فیلیپ یکی از رهبرانی خواهد بود که پیش از تصرف یونان توسط یونانیان، با رهبران پارسی و انواع مسائل پیچیده و جنگ‌ها مقابله خواهد کرد. شهر فیلیپی در سال ۳۵۶ میلادی به نام همین فیلیپ نامگذاری می‌شود. این شهر که با نام فیلیپی شناخته می‌شود، اولین منطقه رومی یا اولین شهر از یک شهر رومی، یک مستعمره رومی در آن منطقه بود.

حالا، ممکن است چیزهای جالبی در مورد این شهری که در کتاب مقدس درباره‌اش خوانده‌اید بدانید که واقعاً شما را کنجکاو کند. اگر مثل من هستید، من عیسی قیصر را دوست دارم. من آن جملات را دوست دارم. هموطنان رومی فرانسوی، به من گوش دهید.

من دوست دارم نام‌هایی مثل بروتوس، کاسیوس، کاسکا و دیگران را بشنوم. شما می‌خواهید بدانید که در واقع، اینجا جایی بود که مارک آنتونی و اکتویان، بروتوس و کاسیوس را شکست دادند و جایی که عیسی قیصر ترور شد، و بنابراین این شهر انواع عناصر را در خود جای داده است، و من به زودی به شما نشان خواهم داد که چگونه این امر تا زمان پولس بر چشم‌انداز تأثیر خواهد گذاشت. ما می‌دانیم که وقتی رومی‌ها بعداً این شهر را تصرف کردند، به این شهر جایگاه مهمی در فقه یا قانون روم دادند.

مزایای زیادی دارد، اما همچنین با این *lus Italicum*. شناخته می‌شد، تطبیق خواهند داد *Italicum* واقعیت همراه است که این شهر به عنوان یک شهر رومی که تحت قوانین رومی اداره می‌شود، آداب و رسوم رومی اجرا یا تشویق می‌شود، و تلاش‌های زیادی برای آنچه در دولت ما سیاست جذب می‌نامیم، صورت می‌گیرد که در آن رومی‌ها می‌خواهند تا حد امکان جذب شوند تا فرهنگ یونانی شهر فیلیپی را تغییر دهند و آن را عمدتاً رومی‌تر کنند. ما می‌دانیم که تا زمانی که پولس درگیر این ماجرا شود یا در این شهر و بعداً آن را مستقیماً در این شهر باشد، اتفاقات زیادی در حال رخ دادن است.

،لاتین به زبان اصلی آن زمان تبدیل شده بود و شهروندان از شهروندی کامل رومی برخوردار بودند. بنابراین، به زندگی در فیلیپی در زمان پولس فکر کنید. شما یونانی متولد شده‌اید و فقط یک یونانی معمولی نیستید

شما در شهری زندگی می‌کنید که به نام پدر اسکندر کبیر، یکی از قهرمانان بزرگ تمدن یونان، نامگذاری شده است. اکنون، شما در مکانی زندگی می‌کنید که با تولد، شهروندی روم به شما داده می‌شود. جای تعجب نیست که با نگاه به فیلیپیان خواهید دید که در واقع پولس شروع به جلب توجه کلیسا به این واقعیت خواهد کرد که شهروندی دیگر مهم‌ترین چیز است.

شهروندی آسمانی شاید مهم‌تر از شهروندی دوگانه‌ای باشد که آنها دارند، یونانی یا رومی، در شهری که مردم وسواس شهروندی دارند و در واقع کسانی که شهروند هستند بعید است احساس کنند که مورد استقبال قرار گرفته‌اند زیرا غرور زیادی وجود دارد، غرور یونانی، غروری که همراه با شهروندی رومی نیز در این شهر می‌آید. ما شواهد زیادی نداریم که نشان دهد در زمان پولس در فیلیپی یهودیان زیادی وجود داشته‌اند، اما اگر بین خطوط آنچه قبلاً گفتم را بخوانید، متوجه می‌شوید که این موضوع اصلاً نباید تعجب آور باشد زیرا اگر این افراد اینقدر به شهروندی خود افتخار می‌کنند و شهروندی یونانی و رومی روال روز است و همه چیز مانند روم اداره می‌شود، پس این مکان می‌تواند خصمانه باشد، باید بگویم غیردوستانه‌تر از روم برای خارجی‌ها، زیرا آنها چیزی از یونانی دارند که باید از آن محافظت کنند یا به آن افتخار کنند و اکنون چیزی از رومی دارند که باید از آن محافظت کنند یا به آن افتخار کنند. بنابراین خارجی‌ها می‌توانند بیایند و از تمام معاملات تجاری عالی، هیجان، فرهنگ غنی و فعالیت‌های فیلیپی لذت ببرند، اما یک چیز قطعی است: ما هیچ مدرکی دال بر وجود کنیسه یهودی در فیلیپی نداریم، چیزی که اگر تعداد زیادی یهودی در شهر وجود داشت، اتفاق می‌افتاد.

بنابراین، محققان معمولاً به این اجماع می‌رسند که اگر اصلاً جمعیتی یهودی وجود داشته، باید گروه بسیار بسیار کوچکی از یهودیان بوده باشد، به حدی که ما اثری از حضور آنها در باستان‌شناسی یا چشم‌اندازهای امروزی نداریم. به نظر من، او بر این سعی می‌کند با توجه به جایگاهی که آنها در فیلیپی داشتند، آنچه را که در آنجا می‌گذشت، توصیف کند. با استفاده از واژه ایتالیایی، آنها حق خرید، حق مالکیت، حق انتقال اموال به همراه حقوق دعاوی مدنی با امتیازاتی از جمله استفاده از واژه ایتالیایی را دارند.

خود فیلیپی از روی شهر مادر، رم، الگوبرداری شده بود. طرح آن مشابه بود، سبک و معماری آن به شدت کپی می‌شد و سکه‌های تولید شده در شهر دارای کتیبه‌های رومی بودند. حال، این شهری بود که از قبل رونق داشت، پس اسکندر کبیر را تصور کنید. او با وجود تمام مشکلاتی که داشت و مرگ زود هنگامش، به

یک رهبر جهانی تبدیل شد، تأثیرگذار، اما به همین دلیل است که میراث پدرش و چه بگویم، غرور پدرش باید پابرجا بماند، این شهر به نام پدرش نامگذاری شده است.

بنابراین، شهر نسبتاً خوب در حال توسعه بود، اما وقتی رومی‌ها وارد شدند، سعی کردند معماری را تغییر دهند، سعی کردند آن را به یک رم کوچک تبدیل کنند، می‌خواستند آن را به مکانی تبدیل کنند که رومی‌ها در آن احساس راحتی کنند و یونانی‌ها را تحت تأثیر قرار دهند، غرورشان را زیر پا بگذارند، که در واقع اکنون می‌توانند فرهنگ خود را واگذار کنند و فعالیت‌های رومی را در این شهر غالب کنند. استفاده از شمشیر ایتالیکوم یک امتیاز بود، اما شهروندان فیلیپی فقط از شهروندی خود استفاده می‌کردند و از آن لذت می‌بردند. هانس در تفسیر خود در مورد فیلیپیان اینگونه بیان می‌کند، از آنجایی که این یک مستعمره رومی بود، شهروندان فیلیپی از تمام امتیازات و حقوق شهروندان رومی برخوردار بودند.

زبان ایتالیکوم استفاده می‌کردند. فیلیپی از روی شهر مادر، رم، الگوبرداری شده بود. طاق‌ها، حمام‌ها، میدان‌ها و معابد رومی در زمان فقر، فیلیپی را تحت سلطه خود داشتند.

در مورد فعالیت‌های مذهبی در این شهر، تصور کنید که اگر فعالیت‌های رومی زیادی در شهر در جریان بود، قطعاً آنها فعالیت‌های مذهبی زیادی را تجربه می‌کردند یا انجام می‌دادند. خواهیم دید که خدایان یونانی و رومی مورد پرستش قرار خواهند گرفت. شاید باید مکث کنم و بگویم که در دنیای باستان، الحاد نادر بود.

بیشتر شرک رایج بود. مردم دوست داشتند چندین خدا را پرستند، هر خدایی که واقعاً می‌توانست اوامر آنها را انجام دهد. اگر شما یک کشاورز هستید، می‌خواهید خدای حاصلخیزی به شما کمک کند تا خوب کار کنید.

و اگر شما یک کشاورز هستید و همسران می‌خواهد فرزندان بیشتری داشته باشد، شما نیز می‌خواهید خدایی موفق‌تر XYZ را ببینید که قادر است به او کمک کند تا فرزندان بیشتری داشته باشد. اگر می‌خواهید در باشید، سعی می‌کنید با قدرت‌هایی که قادر به کمک به شما هستند مشورت کنید. این فرهنگ آن زمان بود.

بنابراین، وجود خدایان رومی و یونانی در شهرهای بزرگ در زمان پولس امری عادی بود. از این نظر، فیلیپی نیز از این قاعده مستثنی نبود. این شهر تحت حمایت یک خدای مصری به نام ایزیس قرار داشت، زیرا ایزیس به عنوان یک خدای بسیار بسیار قدرتمند شناخته می‌شد.

اما نکته جالب این است که شاید به دلیل اینکه ایزیس یک خدای خارجی بود، آنها در واقع ایزیس را خدای حامی شهر قرار ندادند. خدای حامی در واقع سیبیل، الهه مادر، خواهد بود. داشتن یک خدای حامی در دنیای باستان غیرمعمول نیست.

شما می‌خواهید بدانید که داشتن یک خدای حامی و چندین خدای فعال دیگر برای هر شهری نسبتاً رایج بوده است. وقتی به افسسیان برسیم، نکاتی را در مورد زمینه به شما خواهیم گفت و در واقع متوجه خواهید شد که این موضوع اصلاً غیرمعمول نیست. به عبارت دیگر، پولس به شهری که فعالیت مذهبی در آن کم بوده، نرفته است.

اما این تنها چیزی نبود که در آنجا رایج بود. ساکنان همچنین به جادو و طالع بینی نیز می‌پرداختند. ما می‌دانیم که شواهد زیادی وجود دارد.

منظورم این است که ما در روزگار مدرن، مجموعه‌ای کامل در یک کتاب بزرگ از آنچه ما آن را پاپيروس‌های جادویی یونانی می‌نامیم، داریم که ما را در مورد آزمایش‌های جادویی که در جهان باستان استفاده می‌شدند، آگاه می‌کند. جادو رایج بود. در واقع، طالع بینی حتی رایج‌تر بود.

حالا، جایی که رومی‌ها هستند، خیلی جالب می‌شود چون جادو و طالع بینی آنقدر برجسته شده‌اند که اشراف، خارجی‌هایی را که در جادو خوب هستند و دیگران را برای اقامت با آنها استخدام می‌کنند. در تاریخ روم، داستان‌هایی درباره امپراتورهای وجود دارد که به طالع‌بینان و جادوگران خارجی و نحوه کار آنها در شهر مشکوک بودند، و بنابراین انواع ویرایش‌ها را با تلاش برای مقابله با آنها صادر کردند، در حالی که خودشان برخی از افراد خوب را در اردوگاه خود پناه می‌دادند. آنها رسوا می‌شوند و فیلسوفان سعی می‌کنند آنها را ریاکار بدانند.

ما می‌دانیم که جادو و طالع‌بینی رایج بوده است. پولس برای انجام رسالت به این شهر آمد و در اینجا می‌دانیم که پولس تأثیر یا سهم قابل توجهی خواهد داشت. ما از روایت‌های کتاب اعمال رسولان می‌دانیم که پولس چگونه به اینجا آمده است و قبل از اینکه به آنجا برسم، بیایید امروز قدمی در فیلیپی بزنیم.

شهر رومی، بسیاری از فعالیت‌های بت‌پرستانه که در آن زمان از روم الگوبرداری شده بودند، و تمدن فراوان تمدن به این معنی نیست که مردم کمتر مذهبی هستند، و بنابراین بیایید فقط به برخی از چیزهایی که ممکن است برای شما جالب باشد نگاهی بیندازیم. اگر امروز به این مکان‌ها رفته باشید، چیزهایی مانند این را خواهید دید.

بخشی از حفاری‌های این مکان. چشم‌انداز را خواهید دید. برخی از ستون‌ها را می‌بینید که هنوز پابرجا هستند.

متوجه می‌شوید که این مکان تا قرن اول کاملاً توسعه یافته بوده است. شاید نمای دیگری از مرکز شهر کم‌کم متوجه می‌شوید که معماری مرکز شهر کاملاً شلوغ و غالب بوده است.

فعالیت‌های زیادی وجود داشت. ستون‌هایی هم بود. در واقع اگر با دقت به آن نگاه کنید، مثل وقتی که به روم باستان فکر می‌کنید، اینجا و آنجا خطوط مستقیمی وجود دارد.

فقط چیزی را به شما نشان می‌دهم که برای دانش‌آموزانم خیلی جالب است. گاهی اوقات در کلاس درس به من یادآوری می‌شود که شاید ایده توالی‌های برقی از اینجا به ذهنمان رسیده است، چون کاری که آنها قبلاً انجام می‌دادند این بود که این مکان را داشتند، و آن در واقع توالی عمومی‌شان است. وقتی می‌روید و به کارهایتان رسیدگی می‌کنید، یک سیستم فاضلاب وجود دارد که زیر آن را شستشو می‌دهد.

بنابراین، این مواد توسط نهر به خارج از شهر شسته می‌شوند و به جایی می‌رسند که اگر بو بدهند، مسئله‌ی بزرگی نیست. حالا من این چیزهای جالب را به شما نشان می‌دهم تا توجه شما را به این واقعیت جلب کنم که آنها در آن زمان کاملاً پیشرفته بودند. آنها همچنین می‌دانند که نباید حیاط خلوت بدبو داشته باشند.

و مانند انسان‌ها، مانند همه ما، آنها می‌دانستند که گاهی اوقات لازم است به امور رسیدگی کنند و باید ایده‌هایی برای بهتر کردن آن ارائه دهند. بگذارید چیزی را که مربوط به مطالعات ما در مورد تپانچه‌های زندانیان است به شما نشان دهم. این مکان در فیلیپی کشف شده است.

این مکان در واقع به عنوان زندان پولس شناخته می‌شود. ما نمی‌دانیم که آیا پولس به طور خاص در این مکان خاص زندانی بوده است یا خیر، اما این به ما دریچه‌ای می‌دهد تا نوع زندان‌هایی را که در آن زمان وجود

داشتند، ببینیم. جایی که سنگ دارید، مکان می‌تواند تاریک باشد، همه این عناصر را دارید، این میله‌ها را دارید، و یک نفر را آنجا می‌گذارید، و آنجا یک مکان محدود است، و واضح است که برای کسی بیرون آمدن از زندان آسان نبوده است.

بباید گشت و گذارمان در فیلیپی را با رفتن به یکی از مکان‌های تفریحی به پایان برسانیم. در اوایل زمان پولس، در واقع یک تئاتر مانند این وجود داشت که می‌توانستند انواع فعالیت‌ها را در آن انجام دهند بعضی از آنها را نمی‌خواهید بیشتر در موردشان بدانید، مانند فعالیت‌های گلابداتورها و از این قبیل، اما مردم به آنجا می‌روند و خوش می‌گذرانند.

حالا شما به استادیوم‌های امروزی فکر می‌کنید و می‌گویید، او، این معماری فوق‌العاده‌ای است. آنها این ایده را از کجا آورده‌اند؟ گاهی اوقات، من به کولوسئوم‌های رومی نگاه می‌کنم، و به برخی از این استادیوم‌ها نگاه می‌کنم، و می‌گویم که آنها در آن زمان این کار را انجام می‌دادند. به عبارت دیگر، ما با مردم یا جامعه‌ای از مسیحیان که بسیار لعنتی، بسیار بی‌تمدن هستند، تقریباً هیچ نمی‌دانند، و بنابراین فکر می‌کنند مسیحیت یکی از کارهایی است که وقتی چیز زیادی نمی‌دانند انجام می‌دهند.

بعضی‌ها آدم‌های باهوشی هستند؛ البته خود پولس هم تحصیل کرده بود. همانطور که به شما نشان خواهم داد، در این کلیسا تاجر هم بودند. شاید بعضی از مطالب جالب کتاب اعمال رسولان را فراموش کرده باشید.

بنابراین، حالا که داریم درباره فیلیپیان صحبت می‌کنیم، چرا نمی‌رویم و بعد درباره آنچه لوقا درباره فیلیپی شهری که فیلیپیان برای آن نوشته خواهد شد، می‌خوانیم؟ بیایید به اعمال رسولان فصل ۱۶ از آیه ۱۱ نگاه بیندازیم و به برخی از این پیشینه توجه کنیم. لوقا می‌نویسد، پس از حرکت از ترواس، مستقیماً به ساموتراکی و روز بعد به نیاپولیس سفر کردیم و از آنجا به فیلیپی، شهری که اینجا درباره آن صحبت می‌کنیم، رفتیم که شهری پیشرو در منطقه مقدونیه و مستعمره روم است.

پولس تاریخ را درست می‌گوید. ما چند روزی در این شهر ماندیم و در روز سبت، از دروازه‌ها به کنار رودخانه رفتیم، جایی که گمان می‌کردیم مکانی برای دعا باشد، و نشستیم و با زنانی که گرد هم آمده بودند صحبت کردیم. شاید برای شما جالب باشد که بدانید آنها این فرصت را داشتند که با برخی افراد صحبت کنند، و این زنانی بودند که در جمع بودند و آنها توانستند ابتدا با آنها تعامل داشته باشند.

یکی از کسانی که سخنان ما را شنید، زنی به نام لیدیا از شهر طیاتیرا، از آسیای صغیر، ترکیه امروزی فروشنده کالاهای بنفش و خداپرست بود. خداوند قلب او را گشود تا به سخنان پولس توجه کند و پس از آنکه او نیز در خانه‌اش تعمید گرفت، ما را ترغیب کرد و گفت: اگر مرا به خداوند وفادار می‌دانید، به خانه من بیایید و بمانید، و او ما را متقاعد کرد. بنابراین، یکی از ایمان‌آوردگان اولیه در فیلیپی، لیدیا بود.

چون به محل دعا می‌رفتیم، کنیزی به ما برخورد که روح غیبگویی داشت و از طالع‌بینی سود زیادی برای صاحبانش به ارمغان می‌آورد. او به دنبال پولس رفت و با فریاد پرسید: «این مردان بندگان خدای متعال هستند که راه نجات را به شما اعلام می‌کنند.» و این کار را روزهای زیادی ادامه داد. پولس که بسیار آزرده خاطر شده بود، رو به او کرد و به روح گفت: «به نام عیسی مسیح به تو فرمان می‌دهم که از او بیرون بروی.» و در همان ساعت از او بیرون آمد.

توجه کنید اینجا چه خبر بود. جایی بود که یک فعالیت معنوی در آن جریان داشت. همین الان به شما گفتم که جادو، طالع‌بینی، انواع و اقسام اعمال بت پرستی وجود داشت، و کسی هم فال می‌گرفت و در نتیجه پول خوبی به دست می‌آورد.

اما وقتی صاحبانش، یعنی صاحبان کنیزها، دیدند که امیدشان به سود از بین رفته است، پولس و سیلاس را گرفتند و به بازار کشاندند، که تصویری بود که قبلاً در مقابل حاکمان به شما نشان دادم و وقتی او را نزد قاضیان آوردند، گفتند: این مردان یهودی هستند و شهر ما را به هم می‌ریزند. آنها رسومی را ترویج می‌دهند که برای ما به عنوان رومی‌ها جایز نیست که آنها را بپذیریم یا اجرا کنیم؟ حدس بزنید چه؟ این یک شهر یونانی است، اما آنها به یک مستعمره رومی تبدیل شده بودند و غرور خود را به عنوان رومی‌ها در مقابل قاضی رومی ابراز می‌کردند. جمعیت به آنها حمله کردند و قاضی لباس‌هایشان را از تنشان درآورد و دستور داد آنها را با چوب بزنند. وقتی ضربات زیادی به آنها وارد کردند، آنها را به زندان انداختند و به زندانبان دستور دادند که آنها را در امان نگه دارد.

، او پس از دریافت این دستور، آنها را به زندان داخلی برد و پاهایشان را در غل و زنجیر بست. وای. بنابراین پولس و سیلاس به زندان انداخته خواهند شد، اما حدس بزنید یکی از اتفاقاتی که در نتیجه رخ خواهد داد چیست؟ فکر می‌کنید قرار است آنها آنجا بنشینند و بگویند، ما به شهری به نام فیلیپی رفته‌ایم، چند نفر به ما گرویده‌اند، به ما گفته شده که آنها در آنجا با چند زن ملاقات کرده‌اند، به ما گفته شده که مردم در واقع از اینکه این افراد از چیزی متفاوت از آداب و رسوم خود دفاع می‌کنند، ناراحت بودند و آنها همچنین با افتخار ادعا می‌کردند که آداب و رسوم رومی آنها در حال تغییر است.

پولس به اینجا آمد. مسیحیت اینجا کاشته خواهد شد، و اینجاست که بعداً پولس بیان خواهد کرد و به ما سرنخی می‌دهد تا بفهمیم که در واقع این کلیسا در این شهر، با داشتن تعداد زیادی از زنان برجسته که در این کلیسا فعالیت می‌کنند، یکی از کلیساهای خواهد بود که او بیشتر دوست دارد. این دوستانه‌ترین نامه‌ای خواهد بود که پولس به هر کلیسایی به نام فیلیپیان خواهد نوشت.

فیلیپیان در کتاب اعمال رسولان. یکی از مواردی که در کتاب اعمال رسولان در مورد فیلیپیان و فیلیپی مشاهده می‌کنیم این است که هیچ چیز در روایت لوقا با آنچه در متن و تاریخ تحولات آنها می‌خوانیم، در تضاد یا تناقض نیست. همچنین می‌بینیم که چگونه همراهی در اعمال رسولان و رنج در اعمال و در فیلیپیان بیان شده است، که با هم سازگار هستند و با یکدیگر تناقضی ندارند.

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که هنگام بررسی فیلیپیان در کتاب اعمال رسولان مشاهده می‌کنیم، این واقعیت است که لیدیا، زن تاجر اهل طیاتیرا، چهره‌ای برجسته بود که قرار بود کمک زیادی به کلیسای فیلیپی کند. بنابراین اکنون ما چیزهایی در مورد فیلیپیان و فرهنگ فیلیپی می‌دانیم و اکنون شروع به درک چگونگی ورود مسیحیت به این فرهنگ کرده‌ایم. گردهمایی‌های زنانه به پولس فرصتی داد و لیدیا آنها را به خانه خود دعوت کرد.

کلیسا متولد می‌شود. پولس این بار نه در فیلیپی، بلکه در روم زندانی خواهد شد و از روم به این کلیسا نامه خواهد نوشت. بیایید ببینیم هانسن در مورد این گفتگو با اعمال رسولان و فیلیپیان چه می‌گوید.

در روایتی از سفرهای پولس به فیلیپی در حدود سال ۴۹ میلادی، کتاب اعمال رسولان با توصیف دقیق فیلیپی به عنوان یک مستعمره رومی، جوهره این پیشینه تاریخی را به تصویر می‌کشد. ساکنان فیلیپی با متهم کردن پولس و انجمن‌های او به ترویج رسومی که پذیرش یا اجرای آنها برای ما رومیان غیرقانونی است، به شهروندی رومی خود افتخار می‌کردند. اعمال رسولان ۱۶ آیه ۲۱)

شکایت پولس مبنی بر اینکه با او و سالوس به عنوان شهروندان رومی ناعادلانه رفتار شده است، عامل مهمی بود و من توجه شما را به آن جلب خواهم کرد، همچنین به احترام بیشتر برای شهروندی روم در مستعمره روم اشاره دارد. یکی از مزایای شهروندی روم بودن این است که شما نمی‌توانید محاکمه شوید و به روشی که درست یا مناسب نیست با شما رفتار شود، و پولس، وقتی در دردمس است، دوست دارد قورباغه‌های درست

را بیرون بکشد، و اگرچه می‌گوید من یک شهروند رومی هستم. شهروندان رومی سوزانده نمی‌شوند، و بنابراین این به نفع او خواهد بود، و هانسن توجه را به این واقعیت جلب می‌کند که اگر به همه اینها نگاه کنید، در واقع نشان می‌دهند که آنچه در اعمال رسولان و فیلیپیان داریم با یکدیگر سازگار هستند.

اگر به اعمال رسولان ۱۸، اعمال رسولان ۱۶، آیه ۶ تا اعمال رسولان ۱۸، آیه ۵ نگاه کنیم. من نمی‌توانم آن را اینجا بخوانم، اما شما را تشویق می‌کنم که نگاهی به آن بیندازید. این کتاب درباره مسیحیت اولیه در فیلیپی صحبت می‌کند و خواهید دید که کلیسا چگونه در این رقابت دخیل است. شما شروع به درک برخی از پیشینه‌ای که قبلاً به شما دادم، می‌کنید.

اینجا جای راحتی نیست. تأثیر روم در اینجا وجود دارد، اما فعالیت‌های مذهبی زیادی هم در آن دیده می‌شود. عناصر عرفانی زیادی در نحوه زندگی مردم وجود دارد.

همچنین شرکت‌های تجاری زیادی در این شهر وجود داشت. همانطور که لوقا به ما گفت، کلیسا در خانه لیدیا تشکیل جلسه خواهد داد. زنان نقش مهمی در این کلیسا ایفا خواهند کرد و ما نمی‌خواهیم نقش زنان را در کلیسا دست کم بگیریم.

زنان در کلیسای فیلیپی و نقش آنها در اینجا چنان مهم خواهد بود که وقتی بعداً به دوم قرن‌تباران فکر می‌کنیم، پولس در حال نوشتن دوم قرن‌تباران، به این واقعیت افتخار خواهد کرد که از بین کلیساهایی که با آنها کار کرده، کلیساهای مقدونیه بوده‌اند. ما فقط کلیساهای مقدونیه را به عنوان کلیساهای فیلیپی و تسالونیکیان می‌شناسیم. آنها کمک خواهند کرد و حتی در فقر نیز در حمایت از پولس بسیار سخاوتمند خواهند بود.

با برجسته کردن رابطه‌ای که او با این جامعه دارد. شاید وقتی زنان بیشتری در کلیسا داریم، آنها تمایل به سخاوتمندی بیشتری دارند. کشیشان امروزی این را به شما خواهند گفت.

وقتی خانم‌ها به خانه‌ی مبلغان مذهبی می‌آیند، معمولاً چیزی با خود می‌آورند. ممکن است آقایان اصلاً به آنجا نیایند. اما لطفاً، اگر شما کشیشی هستید که این مجموعه مطالعاتی را دنبال می‌کنید، برای اینکه هدایای بیشتری دریافت کنید، به خانم‌ها گرایش پیدا نکنید.

نکته‌ای که اینجا مطرح می‌شود این نیست. نکته‌ای که اینجا مطرح می‌شود این است که کلیسا سخاوتمند بود. در مراحل اولیه زنان زیادی در کلیسا بودند و قرار بود رابطه بسیار خوبی با پولس برقرار کنند.

پولس قرار است در جای دیگری بنویسد تا قدرت رابطه‌ای را که با کلیسای فیلیپی برقرار کرده است، نشان دهد. بنابراین، هنگام مرور نامه به فیلیپیان، نباید تعجب کنید که چقدر شادی و احساسات از طریق این نوشته برای پولس به وجود می‌آید تا نشان دهد که چقدر از نظر عاطفی به شکلی مثبت با این کلیسا ارتباط دارد. با نگاهی به نامه، بیابید به سرعت به مناسبت این نامه نگاهی بیندازیم.

اگر این پیشینه کلی را داشته باشیم، چه چیزهای دیگری می‌توانستند پولس را به نوشتن این نامه سوق دهند؟ خب، ما می‌دانیم که این نامه در زمانی نوشته شده که پولس در زندان بوده است، و همچنین می‌دانیم که این، یکی از آن نامه‌هایی است که هرگز به عنوان نوشته شده توسط پولس مورد بحث قرار نگرفته است. بنابراین اگر به نامه‌های پولس فکر می‌کنید، به نامه‌ای فکر می‌کنید که از زندان می‌آید. محققان عموماً با این موضوع مخالفت نمی‌کنند. و بنابراین، چه چیزهایی در جریان بوده که باعث شده این نامه نوشته شود؟ و حتی پولس کجا بوده است؟ من نمی‌خواهم ساده‌انگار باشم، و اگرچه قبلاً به شما اشاره کردم که فکر می‌کنم

پولس از روم می‌نویسد؛ می‌خواهم توجه شما را به این واقعیت جلب کنم که برخی از محققان استدلال می‌کنند که پولس از روم نمی‌نوشته است؛ او از افسس می‌نوشته است.

برخی دیگر استدلال می‌کنند که او از قیصریه یا قیصریه می‌نوشته است، بسته به اینکه آن کلمه را چگونه تلفظ کنید. اکثر محققان، که در ۱۰-۱۵ سال گذشته به طور فزاینده‌ای افزایش یافته‌اند، به روم استدلال می‌کنند زیرا شواهد به آن سمت اشاره دارند، و روایت‌های زندانی که در مورد قیصریه و افسس داریم آنقدر زیاد است که، یا شاید باید بگوییم آنقدر کم است که نمی‌توانیم این نامه‌ها را از آنجا نسبت دهیم. شواهد با هم مطابقت ندارند، و این یک روش پیچیده برای باز کردن چگونگی تصمیم‌گیری در مورد این یا آن است. اما به نظر می‌رسد شواهد مستقیماً به نامه‌ای اشاره می‌کنند که از روم نوشته شده است.

بنابراین، نکته‌ای که باید در اینجا به آن توجه کرد این است: اگر پولس از روم، از یک زندان رومی می‌نویسد، او به کلیسای می‌نویسد که در یک مستعمره رومی مستقر است. این موضوع گاهی اوقات بر زبانی که در فیلیپیان استفاده می‌شود تأثیر می‌گذارد، تا جایی که برخی از کلماتی که او در فیلیپیان استفاده خواهد کرد کلماتی خواهند بود که پولس هرگز در جای دیگری استفاده نمی‌کند. به نظر می‌رسد این به ما نشان می‌دهد که پولس مخاطبان خود را می‌شناخته و در زمینه‌ای مستقر بوده که می‌داند این زبانی است که فقط ساکنان فیلیپی آن را می‌فهمند، و همچنین زبانی است که به راحتی در دسترس است و به راحتی در ذهن کسی که در روم زندانی است، جای می‌گیرد.

برخی به دلیل نزدیکی، حبس در افسس را توجیه کرده‌اند، اما استدلال نزدیکی هنوز از بسیاری جهات ناقص است. بنابراین، برای این سخنرانی، فرض کنیم که پولس این نامه را از زندان روم می‌نویسد. هدف از این نامه چیست؟ به عبارت دیگر، چرا او این نامه را می‌نوشته؟ خب، او این نامه را می‌نوشته زیرا اپافراس یا اپافرودیتوس در حال بازگشت بود، و از آنجایی که اپافرودیتوس به فیلیپی برمی‌گشت، فرصتی برای پولس وجود داشت تا نامه‌ای به کلیسای که عمیقاً به آن اهمیت می‌داد، بفرستد.

بنابراین، پولس در اینجا می‌نویسد تا دوستان عزیزش را از شرایط حبس خود مطلع کند. او می‌خواست آنها بدانند که او در روم در چه شرایطی است. او می‌خواست آنها با افراد بزرگی که به او کمک زیادی کرده‌اند آشنا شوند.

او می‌خواست آنها بدانند که در واقع، کلیسای فیلیپی از حضور در آنجا دست نکشیده است و عمیقاً از این بابت قدردانی می‌کند. او همچنین می‌خواهد آنها را در مورد خطراتی که برخی از مبلغان مذهبی که احتمالاً از کلیسا بازدید می‌کنند، ایجاد می‌کنند، هشدار دهد. اینها مبلغان یهودی هستند که قصد بازدید از کلیسا را دارند.

پولس می‌خواست به کلیسا هشدار دهد که از حضور آنها آگاه باشد، زیرا وقتی آنها می‌آیند، ما از نامه‌های دیگر پولس می‌دانیم که وقتی این یهودی‌گرایان می‌آیند، برای ایجاد آشوب در انجیل پولس می‌آیند. انجیل پولس چیست؟ خب، در مسیح، یهودیان و غیریهودیان می‌توانند با هم قوم خدا شوند و رستگاری بیابند. خب، یهودی‌گرایان خواهند آمد و می‌گویند شاید این درست باشد، اما شاید غیریهودیان برای واجد شرایط بودن باید برخی از سنت‌های یهودی را رعایت کنند.

بنابراین، اگر با رساله غلاطیان آشنا باشید، می‌دانید که در آنجا مسائلی مربوط به ختنه و همه فعالیت‌ها وجود دارد. همانطور که در این مجموعه سخنرانی‌ها، ما در مورد رساله کولسیان صحبت می‌کنیم. متوجه می‌شوید که مسائلی مربوط به سبت و انواع چیزها، اعیاد، ماه، همه این فرشتگان و برخی از مؤلفه‌های عرفانی یهود، همگی در آنجا وجود داشتند.

این یک موضوع رایج است وقتی که یهودیان برای تضعیف خدمت پولس می آیند. و در اینجا، به نظر نمی رسد که فکر کنیم این افراد از قبل در کلیسا بودند که مشکل ایجاد می کردند، اما به نظر می رسد که پولس پیش بینی می کند که آنها خواهند آمد و او در واقع سعی می کند به آنها کمک کند تا دیوارهای دفاعی در برابر نفوذ آنها بسازند. بنابراین قطعاً، کسانی که سعی در تبلیغات یهودی دارند، اگر مردم نامه پولس را دریافت کنند و سخنان پولس را جدی بگیرند، نباید جایی داشته باشند.

پولس با استفاده از زبانی که به طور خاص استفاده کرده است، کلیسا را به ایستادگی و مقاومت فرا می خواند، که ما هنگام شروع بررسی متن به آن خواهیم پرداخت. او خواستار وحدت است و حتی تا جایی پیش می رود که از زبان استفاده می کند و خواستار تغییر اساسی طرز فکر می شود تا بتواند به آنها کمک کند تا در واقع از هر چیزی که این یهودیان بالقوه ممکن است به کلیسا بیاورند، جلوگیری کنند. هدف دیگر پولس، ترویج شادی و روحیه مثبت در مواجهه با رنج است.

من به شما اشاره کردم که این کلیسا است که واقعاً پولس را دوست دارد. آنها به او اهمیت می دهند. آنها رابطه بسیار خوبی با او دارند، اما همه اینها در حالی است که می دانند او در زندان است.

آنها حتی می دانند که یکی از همکارانشان آپافوریتوس به پولس دسترسی داشته است. برخی از آنها حتی وقتی برای ملاقات به رم آمده بودند، برای جستجوی پولس به آنجا آمده بودند. بدیهی است که آنها از این وضعیت ناراحت بودند و واقعاً نگران دوستشان بودند که به خاطر انجیل در زندان بود.

به این مسابقه فکر کنید و اینکه پولس برگشت و گفت برای من متاسف نباشید. می خواهم شاد باشید. در واقع می خواهم شاد باشید چون من به یک دلیل خوب دارم رنج می کشم.

پولس می خواهد از زندان بودن خود دست بردارد تا شور و نشاطی مثبت و دلگرم کننده برای جامعه مسیحی ایجاد کند تا آنها مایل باشند برای انجیل محکم بایستند و حاضر باشند هر کاری که برای ایستادگی و ایمان لازم است انجام دهند، حتی اگر به معنای رفتن به زندان برای زنده نگه داشتن آن روحیه باشد. یکی دیگر از حوزه هایی که محققان بر آن تأکید نکرده اند و تحقیقات من بر آن متمرکز است و من اغلب سعی می کنم به آن اشاره کنم، نحوه استفاده پولس از زبان خویشاوندی برای نشان دادن همبستگی است. پولس می خواهد به کلیسا بفهماند که آنها یک خانواده هستند.

آنها یک جامعه هستند. آنها مردمی هستند که معتقدند خدا پدر آنهاست. آنها برادران و خواهرانی هستند که نیاز دارند با هم باشند، که نیاز دارند با هم زندگی کنند.

خویشاوندی یکی از نکات کلیدی است. در واقع، من در جای دیگری استدلال کرده ام که خویشاوندی یکی از زبان هایی است که پولس برای تقویت همبستگی در کلیسا استفاده می کند. در اینجا، او عمداً از این زبان استفاده می کند تا مطمئن شود که آنها درک می کنند رابطه ای که دارند، رابطه ای گروهی از غریبه ها نیست که موقتاً در اطراف پرسه می زنند. آنها برادران و خواهرانی با سرنوشت مشترک هستند.

اگر نگاهی سریع به آن نامه بیندازید، ممکن است برخی از اشارات فصل ۲، آیه ۱۲ و فصل ۴، آیه ۱ را ببینید. در این اشارات، او سه بار از آنها به عنوان عزیزان یاد می کند و سپس هفت بار از آنها به عنوان برادران عزیز یاد می کند. او آنها را به تصویر می کشد و گاهی اوقات حتی می خواهد خود را به عنوان نوعی شخصیت والدین برای آنها جلوه دهد تا بتواند آن حس رابطه را القا کند. قبل از اینکه به نامه فیلیپیان بپردازیم، ممکن است بخواهید بپرسید چه چیزی فیلیپیان را از سایر نامه های پولس متفاوت می کند یا آیا آنها تفاوتی دارند؟ تا اینجا، ممکن است متوجه شوید که من در این سخنرانی طوری می گویم که انگار تمام مسائل

و سوالات مربوط به اختلافات و مشاجرات و همه چیزهایی که در اینجا مطرح شده، در اینجا صدق نمی‌کند.

بله، در واقع، درست است که در فیلیپیان ما نویسنده بودن پولس را زیر سوال نمی‌بریم، اما آیا واقعاً درست است که پولس در تمام آنچه در فیلیپیان می‌گوید، مانند آنچه در سایر زمینه‌ها می‌بینیم، ثابت قدم است؟ خیر، ممکن است برخی تفاوت‌های زبانی را پیدا کنید، و الگوهای وجود دارد که ممکن است پیدا کنید که در واقع به شما نشان می‌دهد نوعی ویژگی متمایز در مورد فیلیپیان وجود دارد که قابل توجه است. به عنوان مثال، در فیلیپیان هیچ اشاره روشنی به عهد عتیق وجود ندارد. در سایر نامه‌های پولس، به متون عهد عتیق اشاره‌هایی داریم.

در فیلیپیان، ما این کار را نمی‌کنیم. شاید تنها دلیل وقوع این امر این واقعیت باشد که ممکن است جمعیت یهودی در کلیسا وجود نداشته باشد و بنابراین، درک یا پیروی از اشاره به عهد عتیق برای این یونانیان، که رومی نیز هستند، دشوار باشد، اما ما هیچ اشاره صریحی به عهد عتیق در فیلیپیان نداریم. همچنین متوجه می‌شویم که سخاوت کلیسا در فیلیپیان به جمع‌آوری کمک برای اورشلیم مرتبط نیست.

پولس می‌خواهد آنها را صرفاً به عنوان یک کلیسای سخاوتمند به تصویر بکشد. در واقع، او درباره کمک آنها به خودش، حضورشان در کنار او، و حضورشان در کنار پولس صحبت می‌کند. سخاوت فیلیپیان صرفاً شیوه زندگی آنهاست.

بنابراین، وقتی او قرار است کاری را انجام دهد که من آن را یکی از بزرگترین جمع‌آوری کمک‌های مالی اش با صداقت و راستی در دوم قرن‌تین، فصل ۸ و فصل ۹ می‌نامم، او خواهد گفت که کلیساهای مقدونیه آزادانه از فقر خود بخشیده‌اند. و او در واقع قرن‌تین را مورد انتقاد قرار خواهد داد، و آنها را طوری جلوه خواهد داد که انگار واقعاً چنین هستند. من نمی‌دانم این عبارت در زبان من چگونه است؛ ترجمه تحت‌اللفظی آن، من قوی هستم. و در انگلیسی، شما کلمه‌ای برای این دارید.

و نمی‌دانم شما به آن بازوی مشتی می‌گویید یا چیزی شبیه به آن. افرادی که بخشنده نیستند، مشت‌های محکمی دارند. آنها اصلاً بخشنده نیستند.

پولس قرن‌تین را به باد انتقاد می‌گیرد و سعی می‌کند به آنها یادآوری کند که ببینید، حتی مقدونی‌ها، این افراد در فیلیپی و تسالونیک، وقتی فقیر هستند، کلی می‌بخشند. شماها فقط با مشت‌هایتان اینجا هستید. شما نمی‌خواهید ببخشید، اما هیچ‌کس از شما نمی‌خواهد از چیزی که ندارید بدهید.

هیچ‌کس شما را مجبور به کمک مالی نمی‌کند. ما از شما می‌خواهیم که با میل و رغبت کمک کنید. پولس سخاوت در فیلیپی را به سخاوت واقعی یا تلاش برای جمع‌آوری کمک‌های مالی برای کلیسای اورشلیم ربط نمی‌دهد.

این شخصیت آنهاست. آنها دوست دارند ببخشند. یکی دیگر از نکاتی که باید در مورد نامه‌های دیگر پولس به آن توجه کنید این است که این نامه دارای یک نکته مثبت خانوادگی است.

در مورد نامه‌های دیگر پولس، بیایید برخی مشکلات را برطرف کنیم. هی، در کلیسا غوغایی به پا شده است. حالا، بیایید به آن پردازیم.

شماها از این کار خوشتون میاد. این چیزیه که می‌خوام براتون درستش کنم. هی، شماها. یه عده میان و جنجال راه میدازن.

بعضی از شما این کار را می‌کنید. کسی با زن پدر کسی می‌خواهد و شما راحت هستید. بگذارید من به موضوع بپردازم.

بعضی‌ها ادعا می‌کنند که معنوی‌تر هستند، یا بعضی‌ها درباره قانون صحبت می‌کنند، و من باید این موضوع را اصلاح کنم. نه، پولس اینجا مثل یک نامه خانوادگی می‌نویسد. هی، شما دوستان من هستید

. شما اعضای خانواده هستید. من درک می‌کنم که شما چه کار کرده‌اید. شما با من عالی بوده‌اید

. بیایید شادی کنیم. بیایید شادی کنیم. بیایید شادی کنیم.

او در این نامه چندین بار از کلمات شادی و سرور استفاده خواهد کرد. و در نهایت، در این فهرست از موارد متفاوت، فیلیپیان از ستایش و سرزنش و دعوت به تقلید برای ترویج سبک زندگی شرافتمندانه و شایسته استفاده می‌کند. او از الگوهای بلاغی خاصی استفاده کرد که ما در میان یونانیان و رومیان می‌شناسیم.

به همین دلیل است که من باید شما را با برخی از اصول اولیه بلاغت روم و یونان آشنا کنم تا به شما، در درک این نامه کمک کنم. مفهوم استفاده از سرزنش و ستایش این است که آنچه سزاوار سرزنش است کاری است که نباید انجام دهید. آنچه شایسته ستایش است، کاری است که قابل احترام است

بنابراین، اگر او بگوید حتی نام بردن از چیزی یا انجام کاری شرم‌آور است، یعنی نه، نه. این ستودنی است. این افتخارآمیز است.

یعنی انجامش بده. در آن فرهنگ، این به یک انگیزه بسیار بسیار مهم برای جلوگیری از رفتار بد و ترویج رفتار شایسته تبدیل می‌شود. با ذکر این چهار ویژگی متمایز، می‌خواهم توجه شما را به نکته دیگری نیز جلب کنم.

محققان بحث کرده‌اند که آیا باید فیلیپیان را به عنوان یک نامه بخوانیم یا باید آن را به عنوان دو نامه در نظر بگیریم. چرا؟ محققان برخی از ویژگی‌های جالب را مشاهده می‌کنند که ما، برخی از ما، در واقع در مورد آنها بحث می‌کنیم و می‌گوییم که در واقع منطقی نیستند. و بنابراین، چون می‌گویند این استدلال منطقی نیست، می‌گویند که این نامه باید به عنوان دو نامه در نظر گرفته شود، و دو مرجع خاص وجود دارد.

از این دو ارجاع، یکی درست بین فصل ۳، آیات ۱ تا ۲ و دیگری فصل ۱۰، آیات ۱۰ تا ۲۰ است. محققان، استدلال می‌کنند که یک گذار ناگهانی بین فصل ۳، آیات ۱ و ۲ وجود دارد. آیه ۱ می‌گوید، سرانجام، برادران در خداوند شاد باشید که همین چیزها را برای شما می‌نویسد. این برای من مشکلی نیست و برای شما امن است. و سپس فصل ۲ از آیه ۲، به طور ناگهانی شروع می‌شود، مانند اینکه مراقب سگ‌ها باشید، مراقب بدکاران باشید، مراقب کسانی باشید که جسم را مثله می‌کنند.

محققان استدلال می‌کنند که این گسست اساسی در واقع نشانه‌ای از این است که یک حرف تمام می‌شود و حرف دیگری شروع می‌شود یا نوعی تداخل در حال رخ دادن است. یا اینکه استدلال می‌کنند که از آیه ۱۰ فصل ۴، سلام‌های با تأخیر چیزی نیستند که قرار باشد معمولاً مؤدبانه باشند، بنابراین کسی آن را آنجا گذاشته است. خب، مسئله این است: محققان دوست دارند در مورد همه چیز بحث کنند

ضمناً، ما برای امرار معاش به این کار نیاز داریم. و این کاری است که ما انجام می‌دهیم. درست است که در بلاغت یونان باستان، این در واقع یک استراتژی بلاغی قدرتمند است.

برای ایجاد یک تیم، بگذارید ادامه پیدا کند، و همانطور که مردم شما را دنبال می‌کنند، شما فقط بایستید و موضوع را عوض کنید و نکته مهمی را که می‌خواهید آنها روی آن بایستند یا از آن اجتناب کنند و سریعاً وارد شوند، مطرح کنید. بنابراین، درست زمانی که بیشترین توجه آنها را جلب می‌کنید، مطالب مهمی را که می‌خواهید مطمئن شوید به آن پایبند می‌مانند، مخفیانه وارد می‌کنید. بنابراین، اکنون بیشتر و بیشتر متوجه می‌شویم که آن استراتژی بلاغی از آیه ۱ فصل ۳ و آیه ۲ قرار نیست ناشیانه باشد.

اگر با پولس سر و کار ندارید، اگر با هر متن یونانی باستان سر و کار دارید، این نباید مشکلی ایجاد کند. در مورد سوال مربوط به فصل ۴، آیات ۱۰ تا ۲۰، فقط یک نکته جالب است. اگر تصمیم بگیرم بعداً سلام یا چیزی بگویم، مشکل چیست؟ آیا پولس اجازه انجام این کار را دارد؟ خب، در تحقیقات دانشگاهی نمی‌توانید چنین استدلال ساده‌ای را مطرح کنید.

بنابراین، اینگونه است که ما با چنین مواردی برخورد می‌کنیم. اگر آزمونی پیدا کنیم که عجیب باشد، از یک رشته خاص در حوزه پژوهشی خود به نام نقد متنی استفاده می‌کنیم. در نقد متنی، کاری که ما انجام می‌دهیم این است که سعی می‌کنیم معیارهای سختگیرانه‌ای را برای تعیین اصالت یک آزمون خاص و اضافات یا حذفیات احتمالی اعمال کنیم.

برای برخی از اضافات، ما از کلمه «درج» استفاده کرده‌ایم. محققانی که استدلال کرده‌اند که افسسیان فیلیپیان، فصل ۴، آیات ۱۰ تا ۲۰، در واقع درج است، استدلال محکمی ارائه می‌دهند، اما نمی‌توانند بر اساس روش استاندارد و مورد توافق ما برای تعیین آنچه معتبر است و آنچه معتبر نیست، یعنی مطالعات انتقادی متنی یا نقد متن، استدلال محکمی ارائه دهند. بنابراین، این استدلال نسبتاً ضعیف است.

فقط این است که بگویم کسی چیزی می‌گوید و من دارم آن را می‌خوانم. برای من بی‌معنی است، و چون برای من بی‌معنی است، فکر می‌کنم آن شخص آن را نگفته است. این تبدیل به یک استدلال ضعیف می‌شود. به همین دلیل است که من از آنچه بن ویتزینگتون در مورد آن استدلال خاص می‌گوید خوشم می‌آید.

او در تفسیر نسبتاً جدید خود بر فیلیپیان می‌نویسد، ما هیچ مدرک تاریخی نداریم که کاتبان باستانی نامه‌ها را به این شکل ضعیف و تکه‌تکه ویرایش کرده باشند. در واقع، ما هیچ مدرک تاریخی نداریم که نشان می‌دهد هیچ مدرکی مبنی بر ویرایش نامه‌های شخصی توسط کاتبان نداریم. و ویتزینگتون می‌گوید من هیچ مدرکی نمی‌دانم.

و بابت غلط‌آملاپی که روی صفحه نمایش داده‌ام عذرخواهی می‌کنم. بله، این بحث وجود دارد و امروزه این بحث در حال از بین رفتن است، اما می‌خواهم توجه شما را به این موضوع جلب کنم زیرا این بحث هنوز زنده است، به خصوص وقتی با محققانی سروکار داریم که بیشتر به سمت لیبرال‌ها گرایش دارند. آن‌ها می‌خواهند فیلیپیان را بی‌اعتبار کنند و بگویند که این دو حرف هستند، و چون دو حرف هستند، ما نمی‌دانیم چه کسی آن را نوشته است، و در واقع کسی آمده و آن‌ها را ویرایش کرده است.

آیا می‌خواهید آنها را پولس بنامید؟ ما هیچ مدرکی نداریم که نشان دهد کسی دو نامه داشته که آنها را ویرایش کرده است. تنها مبنای این استدلال در واقع این است که من آن را می‌خوانم و درست به نظر نمی‌رسد. آیا واقعاً این استدلال محکمی است؟ بنابراین، اجازه دهید این بحث را تا جایی که به بحث الحاق در این سخنرانی مربوط می‌شود، با شما به پایان برسانم.

هیچ مدرک زمینه‌ای یا نسخه خطی یا موارد دیگری از نظریه الحاق پشتیبانی نمی‌کند. دوم، این نظریه با نحوه عملکرد یا روش کار آنچه ما در مورد ویراستاران می‌دانیم، در تضاد است. ویراستاران مطالب ترجیح می‌دهند مسائل را هموار کنند.

آنها اوضاع را پیچیده‌تر نمی‌کنند. بنابراین، این استدلال تا حدودی با اساس استدلال در تضاد است، و باید بگوییم که تغییر شدید لحن، با استراتژی‌های بلاغی بلاغت‌گرایان، فیلسوفان یا، اگر دوست دارید، سخنرانان عمومی جهان باستان، بی‌شبهت نیست. چرا پولس نباید کاری را که دیگران انجام می‌دهند، انجام دهد؟ و چرا، بدون هیچ مدرک متنی، مدرک خطی یا هیچ مدرک ملموسی برای این منظور، باید تسلیم ادعاهای بی‌اساس شویم یا خود را تسلیم ادعاهای بی‌اساس کنیم که اینها دو نامه هستند؟ به همین دلیل است که وقتی این نامه را می‌خوانیم یا آن را مرور می‌کنیم، در واقع آن را به عنوان یک نامه واحد که توسط پولس رسول از زندان رومی به کلیسای کولسیان، در فیلیپی نوشته شده است، مرور خواهیم کرد.

اجازه دهید این جلسه را با این نقل قول از بن ویتزینگتون به پایان برسانم. حدود ۱۶۳۳ کلمه در فیلیپیان وجود دارد که آن را به طور قابل توجهی طولانی‌تر از حروف معمولی می‌کند که در پاپیروس‌های باستانی مصر یافت می‌شوند. طبق معیارهای پولس، این سند نسبتاً کوتاه است.

از این تعداد، در واقع ۴۳۸ کلمه وجود دارد که حدود ۴۲ مورد آن در هیچ جای دیگری از عهد جدید یافت نمی‌شود و ۳۴ مورد دیگر در میان زوج‌های پولس منحصر به فرد هستند. برخی از این کلمات منحصر به فرد، محتوای منحصر به فرد فیلیپیان را منعکس می‌کنند که شامل اشاره به راهنمای پراتوریان یا خانواده قیصر یا شهروندی است، به عبارت دیگر، برخی از این واژگان منحصر به فرد، منشأ بسیار خاصی را که پولس، از آن و به آن می‌نویسد، نشان می‌دهد. ویتزینگتون می‌گوید پولس نوشت و همانطور که من ارائه خواهم داد، پولس یک نامه نوشت.

در نوشته‌های پولس درباره چنین شهر منحصر به فردی که بررسی کردیم، او از واژگان متفاوتی استفاده می‌کند. به این فکر توجه کنید. پولس درباره شهری می‌نویسد که در ابتدا به عنوان یک شهر یونانی شناخته می‌شد، اما اکنون ساکنان آن شهروندان رومی نیز هستند.

او به آنجا رفت و خدمت کرد، و افراد برجسته‌ای آنجا بودند، و تعداد زیادی از زنان در این کلیسا بودند. او رابطه بسیار خوبی با آنها دارد. او در زندان است.

او می‌نویسد تا آنها را تشویق کند. او می‌نویسد تا در واقع روحیه آنها را در مواجهه با رنج حفظ کند. او می‌نویسد تا آنها را در مورد یهودی‌های بالقوه‌ای که به عنوان مبلغ مذهبی برای ایجاد مشکل می‌آیند، برحذر دارد و آنها را به روحیه وحدت فرا می‌خواند.

همانطور که در این کتاب کاوش می‌کنیم، آن را به عنوان کتابی که توسط پولس برای کلیسای فیلیپی نوشته شده است، در نظر بگیرید. به این فکر کنید که برخی از زبان‌ها همانطور که از نقل قول ویدرینگتون برای شما می‌خوانم متفاوت است، و وقتی به آنجا رسیدیم، از آنجا شروع خواهیم کرد و به آزمون خواهیم پرداخت. از شما بسیار سپاسگزارم که فیلیپیان را با ما شروع کردید.

فقط امیدوارم در این مجموعه مطالعات کتاب مقدس در مورد رساله‌های زندان، به یادگیری با ما ادامه دهید و از این مطالعات به عنوان مطالعه‌ای برای عقل، روح و زندگی شخصی خود لذت ببرید. خیلی ممنونم.

من دکتر دن دارکو در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان هستم. این جلسه هشتم، معرفی

فیلیپیان است.